

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس بکتابتبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۵

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس -
۲) قرائت دایرت وزارت عدلیه راجع به حکومت افشار
- ۳) بیه شور لایحه مجازات عمومی از ماده ۱۱۸
۴) موقع جلسه بعد - ختم جلسه.

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسقند باری تشکیل گردید)

صورت مجلس سه شنبه نوزدهم خرداد را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱. تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (ظاهری شد)

صورت مجلس تصویب شد.

خاطر محترم آقایان - بوقی است که در فصل پانزدهم نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی ماده صد و سی و پنج تصریح شده است که اداره تقنینیه يك دارالانشائی خواهد داشت ولی در بودجه امسال توجهی باین مطلب نشده و بجای دارالانشاء ذکر شده کلینته این است که اگر تصویب می فرمایید همانطوریکه در نظامنامه مقرر شده است منظور

بدارم که دارالانشاء باشد (فما ندکن - صحیح است)

۲- قرائت دایرت وزارت عدلیه راجع به افشار

رئیس - مراسم از وزارت عدلیه رسیده است که

حاصل آن باطلاع آقایان نمایندگان محترم میرسد

ریاست مجلس شورای ملی - عطف به رقومه نامه ۳۶۸۰۶

مورخه ۲۷/۲/۱۵۰۷ راجع بانتهام منسبه آقای رضای افشار

وزیر اسبق طرق و شوارع اینک سوادى از حکم هیئت

عمومی بدون عالی تمیز راجع به حکومت ایشان نالو آبرای

استحضار ایفاد میشود.

۴ هین مذاکرات مشروح شصت و دویمین جلسه از دوره دم تقنینیه (مجلس نهم ۸ آذر ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

۴۴ اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده

غائبین با اجازه - آقایان مؤید توامی - کارروزیان - او شیروانی - مرشی - محط - انبار - ارباب کیخسرو - علوی کستانی
غائبین با اجازه - آقایان فردوسی - منصف - اسکندری - امیر ابراهیمی - نازی
دیر آمده با اجازه - آقای دکتر سیدی

دیر آمدگان با اجازه - آقایان دکتر ادهم - پیکور - وکیل - شاهنک - یان - مجد ضیائی

ولیس - البته قرائت تمام واریت که جریان کار است اسباب تنبیح وقت آقایان میشود فقط ماجمل حکم را به اصلاح می‌رسانیم که خاطر محترمان مسیوق باشد: (تشریح ذیل خوانده شد)

آقای رضای افتخار به شش ماه حبس تأدیبی و تادیه شصت مبلغ دربارت شده بجزایزه دولت بمنورات جزای نقدی واضل ابد از خدمات دولتی محکوم میشود این حکم در قسمت ثبوت جرم با اکثریت آراء و در قسمت مجازات نیز با اکثریت آراء صادر گردید.

[۴] بقیه شورای قانون مجازات عمومی از ماده ۱۲۸]
ولیس - بقیه شور اول خبر که کمیسیون عدلیه مخالفان مجازات عمومی از ماده ۱۲۸ مطرح است قرائت میشود قبل چهارم - در شخص متضرر از جرم اثر شکایت متضرر از جرم

ماده ۱۲۸ - شکایت متضرر از جرم در مواردیکه نه مستقلاً و نه بتقاضای وزیر عدلیه قابل تعقیب است موجب تعقیب امر خواهد بود

اعمال حق شکایت در مورد سفری که چهارده سال تمام ندارد و مجبور بسبب اختلاف مشاعر یا ولی قانونی اوست. سفرهایی که چهارده سال تمام دارند می توانند اعمال حق شکایت کنند و ولی قانونی هم می تواند بپوش آنها اعمال حق متزور کند اگر چه معبر تصریحاً یا تلویحاً اظهار مخالفت نماید

ولیس - آقای طباطبائی دبیا

طباطبائی دبیا - ظاهر این ماده این است که شکایت متضرر از جرم متزور مالی است که اگر کسی متضرر شود مالی می تواند با این ترتیب شکایت کند این بود که بنده خواستم آقای وزیر عدلیه بک توضیح کامل ببخشند که مقصود از شکایت متضرر همین متزور مالی فقط است یا اما است از مالی و غیر مالی اگر متزور مالی فقط باشد آئینت مجبور بسبب اختلاف مشاعر را ذکر می کند ولی بک مجبوری است که بسبب اختلاف مشاعر نیست بک کسی بسبب ورشکستگی مجبور است و مجبور مالی است مثلاً

بتقاضای وزیر عدلیه قابل تعقیب باشد در مواردی که لازم است یعنی تعقیب منوط و مشروط است که بتقاضای وزیر عدلیه بشود همین است ولی در جائی که نه باین سبب و نه بآن سبب امر قابل تعقیب باشد فقط این اثر را می خواهد بگوید و مربوط با مورد مدعی و ضمانات قهری نیست

ولیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرضی ندارم

ولیس - ماده یکصد و بیست و نهم قرائت میشود

شکایت قبم انقائی

ماده ۱۲۹ - اگر متضرر از جرم کمتر از ۱۴ سال تمام دارد یا مختال، المذمور است ولی باقیام ندارد یا منافع ولی بقیه معارضش یا منافع اوست حق شکایت با قبم انقائی است. مقصود از قبم انقائی قبمی است که معده المدوم برای خصوص مورد معین میکند.

ولیس - آقای طباطبائی دبیا.

طباطبائی دبیا - در این ماده می نویسد مقصود از قبم انقائی قبمی است که مدعی المدوم معین می کند در صورتیکه قانوناً اینطور است که مدعی المدوم پیشنهاد میکند آئینت محضر شرح قبسم و امین می کند اینها بنده عقیده ام این است که عبارت اصلاح لازم داشته باشد و ظاهر عبارت این است که مدعی المدوم مستقیماً قبم را معین می کند در صورتیکه اینطور نیست.

وزیر عدلیه - این جا نظر بکیفیت نسب قبم نیست ببلاره قبم فقط برای شکایت تعیین و نصب میشود و منظور دیگری نیست در هر حال این جا متضرر باین نسبت که بچه کسبیت و در چه موارد. آن در جای خودش مقرر است که بچه کسبیت قبم نصب میشود.

ولیس - ماده یکصد و سی قرائت میشود.

شکایت یکی از متضررین از جرم

ماده ۱۳۰ - در مورد مذکور در ماده ۱۲۸ اگر از وقوع جرم اشخاص متعددی متضرر شوند عمل قبایل تعقیب است هر چند شکایت از طرف یکی از آنها بعمل

آمده باشد -

ولیس - آقایان تقاب

تقاب - در موضوع ماده ۱۳۰ منظور این است که اگر از جرمی چند نفر متضرر شوند تنها شکایت بک نفر از آنها کافی برای تعقیب باشد و دیگر لزومی نداشته باشد که تمام متضررین از جرم شکایت کنند و بطوریکه در کمیسیون مذاکره شد منظور این است ولی عبارت خلاف این را می‌رساند زیرا که ذکر میشود در مورد مذکور در ماده ۱۲۸ اگر از وقوع جرم اشخاص متعددی متضرر شوند عمل قابل تعقیب است بدون قید شکایت و بعد آید. میشود هر چند شکایت از طرف یکی از آنها بعمل آمده باشد و این هر چند مقصود را می‌رساند ولی بقیه بنده اگر ذکر شود در مورد ماده ۱۲۸ هر گاه از جرمی چند نفر متضرر شوند شکایت بک نفر برای تعقیب کافی است مقصود بجز حاصل میشود.

وزیر عدلیه - اگر چه خود عبارت ماده معنی را می‌رساند ولی مشابهت نیست که در کمیسیون برای شور دوم اصلاح شود **ولیس** - ماده صد و سی و یک قرائت میشود.

ماده ۱۳۱ - شکایت از جرم بطور اطلاق در باره

همه مرتکبین جرم مؤثر است

ولیس - ماده صد و سی و دو

مهلک شکایت و صرف نظر

ماده ۱۳۲ - مهلت حق شکایت برای متضرر از جرم از روز اطلاع بر وقوع جرم یک سال است مشروط بر اینکه نسبت باصل جرم مرور زمان حاصل نشده باشد مگر آنکه قانون حکم دیگری مقرر کرده باشد

کسی که حق شکایت دارد اگر تصریحاً یا تلویحاً صرف نظر نمود دیگر نتواند شکایت کند هر گاه کسی که حق شکایت دارد کارهایی بکند که با قصد شکایت منافی باشد صرف نظر محسوب میشود. صرف نظر از تعقیب جرم بطور اطلاق در باره همه مرتکبین مؤثر است.

ولیس - آقای طالبانی

طالبانی دلیلی - شکایت باقی میماند با کتبی باید مریح باشد در این صورت بنده تقدیم ام این است که استرداد شکایت هم باید مریح باشد ولی این ماده اولاً نارویج را هم منکر کرده است و جایز شمرده که تلویحاً استرداد شکایت ممکن است و ممکن است در این قبیل قضایا محکمه دچار زحمت بشود مثلاً فرشی بفرماید که مدعی و مدعی علیه در محکمه حاضر شده و مدعی یا مدعی علیه تعارف و سلام کرد و فوراً محکمه اظهار میکند که این جا تلویحاً یا با اعلام کاری مکرره است که می رساند کانه دیگر مدعی نیست یا این آدم و شکایت را استرداد کرده بنده عقیده ام این است که تلویحاً برداشته شده و سر میماند نوشته شود که استرداد شکایت هم مریح باشد و روشن باشد.

ولیر اجماعی - (مخبر کتبی - یون آو این عدلیه) - عرض کنم که البته خود آقای دبی در کمیسیون تشریف داشتند و البته اصلی و قواعد کلی در دستن است اصل در دو محدود باشد و با اینها در و جرایی در نظر دارند یک شخص آمده است و شکایت کرده است به محکمه بعد می بینیم که صرف نظر کرده یا با او آفتی کرده است صلح کرده است حالا ما بیاییم تعقیب کنیم ۱ چون زمین عمل کاشف از سر قضا است و ادله قویه هم هست باینکه صرف نظر کرده و صلح کرده دیگر محکمه باید و لیس کند و تعقیب نکند.

ولیس - ماده ۱۳۳ قرائت میشود

ماده ۱۳۳ - صرف نظر ولی بی سابقه از اعمال حق شکایت مانع از اعمال حق شکایت صغیری که چهارده سال تمام دارد نیست لیکن در صورت گذشت پدر در مورد صغیری که هنوز پانزده سال تمام ندارد حق شکایت صغیر ساقط میشود.

ولیس - ماده ۱۳۴ قرائت میشود

صرف حق شکایت - صرف نظر ولی بی سابقه از اعمال حق شکایت مانع از اعمال حق شکایت صغیری که چهارده سال تمام دارد نیست لیکن در صورت گذشت پدر در مورد صغیری که هنوز پانزده سال تمام ندارد حق شکایت صغیر ساقط میشود.

ماده ۱۳۴ - حق شکایت فوت متصرف از جرم ساقط میشود هرگاه قبلاً شکایت بعمل آمده باشد فوت متصرف موجب سقوط حق جرم نمیشود
ولیس - ماده ۱۳۵

نقضای تعقیب از طرف پادشاه یا بیایست سلطنت یا یکی از خاندان سلطنتی

ماده ۱۳۵ - در مورد بیکه و مجازات جرم و اوقوف شکایت متصرف است و جرم نسبت به پادشاه یا نایب السلطنه یا بیکه یا ولیعهد و یا یکی از اولاد بلا فصل پادشاه منقضی است و وزیر عدلیه برای تعقیب جرم کافی است.

ولیس - ماده ۱۳۶ قرائت میشود

موت نقضای تعقیب - موتی که قبیل تعقیب است برون جرم و اوقوف به نقضای تعقیب از طرف وزیر عدلیه است این نقضای پس از اتمام یکسال از تاریخ اطلاع مقام مزبور بر وقوع جرم پذیرفته نیست مشروط بر این که تعقیب نسبت باصل جرم مرور زمان حاصل نشده باشد وقتی که جرم در خارج واقع شده و تعقیب آن منوط بحضور مجرم در خاک ایران است نقضای تعقیب پس از سه سال از روز توقف مجرم در ایران پذیرفته نمیشود
ولیس آقای نقابت

نقابت - در ماده ۱۳۶ يك مساعه عبارتی دارد که مقصود را عوض کرده است و آن کلامه مشروط بر اینکه است زیرا که شرط استناد در سابقه هفت ایجابی میدهد ذکر میشود: وقتی که قابل مجازات بودن جرم و اوقوف به نقضای تعقیب از طرف وزیر عدلیه است این نقضای پس از اتمام یکسال از تاریخ اطلاع مقام مزبور بر وقوع جرم پذیرفته نیست مشروط بر اینکه تعقیب نسبت باصل جرم مرور زمان حاصل نشده باشد یعنی اگر شده باشد قابل تعقیب است در صورتیکه اگر مرور زمان شده بود قابل تعقیب نیست اگر هم نقضای شده بود قابل تعقیب نیست هر دو یک حکم است و این کلامه مشروط است بر اینکه مطلب را عوض کرده است بنده عقیده ام اگر عبارت عوض شود بطوریکه ذکر شود که مرور زمان شده باشد و تا یکسال هم مقام مزبور نقضای نکند براند باشد قضاة قابل تعقیب نیست اوقوف منظور نامین میشود.

ولیر عدلیه - عرض میکنم خیلی اهام ندارد معذک این را یک قدری توضیح میدهم در واقع شورور در کمیسیون

ولیس - ماده ۱۳۷ قرائت میشود

باب پنجم
تقریر - تعیین و اجراء و مجازات
فصل اول - تقریر و تعیین مجازات
اختیار حاکم در تعیین مجازات

ماده ۱۳۷ - حاکم در تعیین مجازات مابین حد اقل و اکثر اختیار دارد و برای اعمال این اختیار باید امور ذیل را جز در مواردیکه از کیفیتات مشخصه یا مخفیه عمومی مطابق ماده ۶۷ و ۶۸ باشد در نظر بگیرد و باید علی که موجب اعدام اختیار شده است ذکر نماید
الف - طبیعت و نوع و وسائل و موضوع و زمان و مکان و هر که خصوصیات عمل
ب - درجه خسارت یا خطر بیکه به متصرف از جرم متوجه شده است
ج - سوه نیت درجه خطا و بی وبالایی
مجموعین حاکم باید نهایت مجرم را بارتکاب جرمی که ناشی از امور ذیل باشند در نظر بگیرد

ولیس - ماده ۱۳۸ قرائت میشود

۱ - عالی که مجرم را بارتکاب جرم و ادا داشته و اخلاق
۲ - سابق جرمی و عمالتی مجرم و کلیه رفتار و طرز زندگی او قبل از ارتکاب جرم
۳ - وقت و مجرم در حین ارتکاب جرم یا بعد از آن
۴ - اوضاع شخصی و خانوادگی و اجتماعی مجرم
ولیس - آقای نقابت

نقابت - بنده در این ماده شخصاً هیچ اشکالی ندارم مگر اینکه توضیح در مقام تصریح قانون ممکن است راه اندازی محاکم شود در آیین این ماده یک جنبه خصوصی دارد یا مواد قبلی خیلی ممکن است معارضه کند یعنی تا نظر اول و مدعی ولی یا متوجه البته وقت می شود زیرا در مواد يك قرائن مخفیه مجازات و يك قرائن مشخصه مجازات ذکر شد و کتبیه که زیاد یا کم کردن مجازات بر حسب زیاد یا کم کردن قرائن مخفیه و مشخصه مجازات

است اینچا يك قرائن دیگری است که در حکم آن دسته از قرائن نیست و حالات مخصوصی است از نظر مثلا سوه نیت مجرم رسایر جهات ارتکاب که اینها يك میزانی است در دست قضاة بین حد اقل و حد اکثر مجازات تعیین مجازات میکنند که با آن قرائن دیگر که قبلاً بیان شد فرق دارد از این جهت بنده خواستم استعلام کنم از حضور محترم آقای وزیر عدلیه که با در نظر گرفتن این دسته از قرائن و آن قرائن سابقی اگر ممکن است يك توضیحی بفرمایند که رفع اشکال از محاکم بشود.

ولیر عدلیه - البته خاطر آقایان میسوق است که در امور جزایی بواسطه اختلافات زیادی که کشف وقوع جرم و حالات مجرم و سوه نیت علیه در زمان امکان و خصوصیات دیگر و خصوصاً آموهای جرم و چیزهاییکه باعث ارتکاب میشود جدا از آن مختلف است که هیچ نمیشود آنها را جمع آوری کرد شاید اگر چنانچه بخواهند آنها را در چه بندهی کنند از صد بالا بروند اگر بخواهند احصا کنند از این جهت در تمام قوانین جزایی يك حد اقل و اکثری در تعیین مجازات منظور شده است و يك حدودی را به تعیین قضاة گذاشته است بین حد اقل و اکثر همیشه بنده در قرائن شرح در این تعقیب اینها را در نظر حاکم بقضای گذشته است که بطریق رایج نوشته میروند کیفیت جرم و همه این خصوصیات بکلیت تعذیری را در نظر بگیرد قانون جزا هم چنانچه میگوید است لیکن بنده عقیده ام که تعیین بر خود دند باشد که یک قدری سوه استفاده میشود اختیار مطلق زیرا که يك جرمی را مثلاً قتل مبین کرده است مابین دو سال تا ده سال یعنی از دو سال تا ده سال حس دولت تا کار یا با اصطلاح قانون فقهی حسی با عمل شاقه و از آن طرف با خود قانون یک مورد تعقیب و بنده در نظر گرفته است تمام اینها مربوط میشود به کیفیت آن عمل و تا جرم معوق بنان کیفیت انجام شده است تا لحاظ اینکه تا یک حدی اختیارات قضاة قضاة می شود و محدود بشود و این قانون توانسته است يك روابطی را در نظر بگیرد بنا بر این میتوانیم کتبانی را که معوق بعمل و جرم میشود به سه

دسته تقسیم کنیم یکی کیفیت خاصی است که اسم معین و عنوان معین دارد و خیلی روشن است و اینها را در خود مواد قانون رعایت کرده است که جرم را شدید تر کرده است مثلاً در سرقت میگوید هر کس مالی را سرقت کرد مجازاتش این است و بد میگوید اگر سرقت مقرون به آزار و تهدید باشد این مجازات است اگر در شب باشد جزائش بدتر است اگر حامل اسلحه باشد بدتر است اینها قران بی کیفیت خاصه است که قانون در مورد خودش رعایت کرده است و در واقع جزو متماسر تشکیل میدهد آن جرم تخفیف می دهد اما مثل جرم قرون آزار و تهدید این جا دیگر کیفیت از کیفیت بودن جرم رفته هر چند ذاتاً یک کیفیت است ولی جزو تشخیص جرم است این یکدسته از کیفیت است که در اقبال قوانین رعایت شده است یکی دیگر کیفیت است که تشخیصی بنظر قاضی است و با یک تربیت خاصی معین میکند و از آن قبیل نیست که یک تربیت معین و معلوم باشد این را اسامی میگذارند کیفیت مشدده یا محققه عمومی مثلاً یکی از آنها این است که جرم بواسطه بار غرض هست و دیگری ارتکاب باشد یک جرم موهی بواسطه غرض هست و دیگری ارتکاب شده باشد یک موهی دارم که چند روز قبل ولایت رسید از کورس که در آنجا یک شخصی مهمان شده است بر یک رعیت و چاره و ملافت شده است که این رعیت سی تومان پول دارد وقتی که خواب بوده است پانصد است هم زن و هم مرد را شکم پیاره کرده است و پول را بر داشته و رفته است این مرتکب قتل شده است آن هم همزبان خودش را که با کمال حسن نیت او را همزبان میبازی کرده است آن وقت دو نفر بی چشمه را تلف میکند بواسطه یک مقصود پس این کیفیت خاصی مشدده است معن قتل است - همه جا قتل قتل است ولی با این کیفیت وقت همین قتل در مقام مدافعه انجام میشود در آنجا گاهی با اندازه خصوصیات عمل مؤثر میشود که اصل مجازات را بکلی از بین میبرد گاهی است که مجازات از بین نبرد و مثل اینکه کسی تعرض بکسی داد و طرف آمده است بخواهد

اورا بزند و مدافعه او این است که اورا بزند ولی بزند اورا میکند این - مؤولیت را بکلی از بین میبرد ولیکن در جرم قتل مدافعه داده میشود با یک کس یک ظلم شدید یکی کرده است که قابل تحمل نبوده است این هم در مقام قتل او بر می آید پس این قتل با آن قتل خیابانی فرق دارد پس یک کیفیت مشدده عمومی داریم و یک کیفیت محققه عمومی داریم باید رعایت کند آنرا و اینها قاضی مجاز نیست که با اختیار خودش بین حد اقل و اکثر حکم کند این جا قانون مکلف کرده است قاضی را که وقتی کیفیت مشدده یا محققه دید ترتیب اثر بدهد مطابق ترتیبی که در این قانون مقرر شده است که تا یک نکت اضافه بر مجازات اصلی او را مجازات کند اگر چه از حد اکثر بالا برود و تا دو نکت هم مثلا کسر میکند طابوریکه در قانون معین کرده اگر چه از حد اقل هم پایین بیاید ولی مذهبک یک ترتیب دیگری پیش میاید چنانچه هست و آن این است که وقتی در یک قانونی حد اقل و اکثر مجازاتی که قانون برای جرم معین کرده است وقتی که قاضی خواست از بین این حد اقل و اکثر مجازات را معین کند البته مرتجعی لازم دارد بدون مرجع که مبنی ندارد فرجه نمیکند استوار هم نمیکند باید باید یک مرتجعی را در نظر بگیرد که این مجازاتی را که در قانون برای او معین شده است که از دو سال تا ده سال حبس معین شده است مثلا چهار سال باید معین شود یک چونی را در نظر بگیرد آن جهات را این ماده در نظر گرفته و اینها بطور کلی است یعنی این خصوصیات همیشه باید منظور نظر قاضی باشد و در حکم خودش هم باید اینها را ذکر کند تا چه وقت تا وقتی که بآن کیفیت مشدده یا محققه عمومی که حکم خاصی برای مرتبین معین شده است نرسد اگر بناچار رسید دیگر اختیار بر داشته میشود بین حد اقل و اکثر تنها اختیار نیست باید میزان مجازات را بین حد اقل و اکثر معین کند و آن کیفیت مشدده یا کیفیت محققه را هم ترتیب اثر بدهد

رولیس - ماده ۱۳۸

عدم احتساب کسر مجازات

ماده ۱۳۸ - از استعکوبیت های مجبوس موقت و محکومیت های جزای نقدی که در مواردی به نسبت زیاد با کسر شود کسر بکروزد و کسر ربال بحساب نمیاید

رولیس - ماده ۱۳۹

تناسب بین جزای نقدی و حبس

ماده ۱۳۹ - در هر مورد که تعیین تناسب بین جزای نقدی و حبس لازم شود در مقابل هر پنجاه ربال یا کسر پنجاه ربال جزای نقدی یک روز حبس نادویی حساب میشود

رولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بمقتضی بنده برای این که حبس تمام شود یک مبلغ معینی را معین کردن مناسب نباشد زیرا برای اشخاص تفاوت میکند یک نفر هست که در مقابل یک روز پنجاه ربال خیلی زیاد است و برای اشخاص هم هست که چیزی نیست برای اشخاص هم هست که چند برابر آنهم چیزی نیست پس بنده مقدمه که برای اینهم در حد اقل و اکثری باید معین شود که برای اشخاص بی تفاوت کفر باشد و برای اشخاص متمکن بیشتر باشد برای این موضوع هم بنده پیشنهادی تقدیم میکنم تا در کمیسیون مطالعه شود

مهندس احدی (غیر) - تصور میکنم اگر آقای دکتر بنده بعد مراجعه کنند نظرشان تغییر شود که در آنجا از ۵ ربال تا ۵۰ ربال است و بعد هم اختیار بمحکمه داده است و در نظر هم بوده است که در اشخاصی که محکمت پنج تومان هم از نکت بنظر قاضی واگذار شده است و قاضی میتواند زیاد کند (دکتر طاهری - این مربوط به ماده بعد است حالا این ماده مطرح است) آنجا حبس تبدیل به نقدی می شود و اینها قاضی تبدیل بحبس میشود و ممکن است نظرشان را پیشنا بدفر مایند

وکیلر عدلیه - ممکن است آقای نماینده پیشنهادی

بکنند در کمیسیون هم مورد نظر قرار بگیرد و بصورتاً بنده هم خیلی مایل هستم که آقایان هم در وقت اینها بنده برای این که این قانونها سابقاً عمومی مدار باشد اینها بنده این است که حد اقل و اکثر آن در ماده بعد معین شده است که از پنج تا پنجاه ربال و حتی اگر پنجاه ربال هم مؤثر نباشد در باره آن مجرم محکمه می تواند تا چند برابر اضافه کند ولی اینها برای تناسب است چون گاهی از اوقات باید تناسب معین شود مثلاً در قسمت این که وقتی بنشیند جزای نقدی تبدیل به حبس شود برای هر یک روز چه مابقی را باید قرار دهند اینها نمیکند بین حد اقل و اکثر باید یک میزان معین باشد اینها باید تفسیر معین شود که هر پنجاه ربال یک روز معین کرده اند چه قهر باشد چه غنی قهر نمیکند باید تناسب آن معین باشد

رولیس - ماده ۱۴۰

تبدیل حبس جزای نقدی

ماده ۱۴۰ - در چند ماهی که مطابق قانون مجازات آن در ماه حبس نادویی یا کفر است محکمه می تواند بدیه قضای محکوم علیه حبس نادویی را تبدیل به جزای نقدی کند در اینصورت تبدیل حبس جزای نقدی از قرار هر روز حبس پنج تا پنجاه ربال خواهد بود مذهبک هرگاه محکمه تشخیص دهد که نظر بتمکن و دارائی محکوم علیه تبدیل حبس جزای نقدی حتی از قرار روزی پنجاه ربال غیر مؤثر خواهد بود میتواند میزان تبدیل را تصد و پنجاه ربال برای هر روز حبس قرار دهد

رولیس - ماده ۱۴۱

تبدیل جزای نقدی بحبس

ماده ۱۴۱ - جزای نقدی که بواسطه عدم استطاعت محکوم ندانان اجراء نمود بحسب تاقبسی تبدیل می شود ولی مدت آن از سه سال نباید تجاوز کند - در ایننکوه موارد در اقل حبس را میتوان از حد اقل محکوم در ماده ۳۴ کفر کرد

محکوم که مدفاری از حبس بدل جزای نقدی در باره

او اجرا شده می تواند جزای نقدی اصل را پس از وضع مجایبی مابعد بامدت حبس اجرا شده مطابق ماده قبل داده و از بقیه حبس تبدیل موقوف شود.

رئیس - آقای دکتر جوان - در ماده ۱۴۱ ترتیب تبدیل جزای

نقدی را به حبس مینویسد که جزای نقدی به حبس ندادنی تبدیل میشود. اینجا اشکالی که نظر بنده میرسد اینست که در جزای خلائی بنی آقایان که متخلف خلانند و مجازاتشان حبس ندادنی نیست در آنجا ما هم که مجایبی مابعد است که جزای نقدی متخلفان را تبدیل میکند به حبس ولی به حبس ندادنی حبس خلائی ولی چون در این ماده بطور کلی نوشته شده بود که بطور کلی جزای نقدی تبدیل میشود به حبس ندادنی این را خواستم آقای وزیر محترم عدلیه توضیح بفرمایند که در تبدیل جزای نقدی خلائی تبدیل میشود به حبس های تکدیری یا حبس خلائی این قسمرا توضیح بفرمایند که مقصود روشن شود

دکتر عدلیه - قسمت تمرش به حبس ندادنی اینچنانظر این بوده است که در حبس های خلائی خود محکمه اول می شنود به بند این اولاً استعلامات پرداخت این وجه را دارد یا ندارد اگر دارد که او را محکوم به جزای نقدی می کنند در بیشتر امور خلائی اینطور است ولی اگر ندارد او را محکوم به حبس میکند و این ترتیبی است که محکمه در موقع صدور حکم در نظر بگیرد و متذکر برای این که متذکر شود و استثنای بعد پیش نماید برای این که در بک موردی که محکوم ندارد نتواند بدهد ممکن است حبس را مطابق نوشت و نادانی نوشت که شامل تکدیری هم شود.

رئیس - آقای ممدل

ممدل - از ماده ۱۴۱ محو فرموده می شود که در موردی است که محکمه لازم ندانسته است که این شخص محکوم به حبس شود و محکوم به جزای نقدی است در ماده می نویسد که اگر توارست این پول را بدهد باید حبس شود ولی مدت را محدود کرده اند به سه سال یعنی از سه سال

که باید باده بدهد تا آن چربه نقدی را نداده است باید در حبس بماند حد آخری هم برایش منظور نیست ولی این قانون رعایت کرده است و گفته است که حد اکثری هم باید برایش مین شود.

رئیس - ماده ۱۴۲ موقوف احتیاطی

ماده ۱۴۲ - آقایان که قبل از اطمین شدن حکم مبدل آمده است باید از مجموع مدت حبس بوقت یا کار باحبس ندادنی یا خلائی کسر کرد. در صورتیکه مرتکب مجزاه نقدی محکوم شود از مبلغ جزای نقدی به تناسب مذکور در ماده ۱۳۹ کسر می شود.

رئیس - ماده یکصد و چهل و سه - مجازات و اوقاف احتیاطی برای جرائم ارتکاب شده در خارچه

ماده ۱۴۳ - هرگاه متهمی در خارچه محکوم شده و در کشور ایران مجدداً برای همان جرم محکوم شود مجازات حبس یا جزای نقدی که در خارچه اجرا شده و همچنین توقیف احتیاطی اگر شده باشد از مجازات کسر میشود.

رئیس - ماده یکصد و چهل و چهار - حساب مجازاتهای تبعی

ماده ۱۱۱ - در حساب مجازاتهای تبعی هر وقت مدنی که محکوم تحت مجازات با مقررات تأملی - سابق آزادی بوده یا مدنی که با اختیار از اجزاء مجازات با مقررات تأملی احتراز نمیکرد محسوب نمیشود.

رئیس - ماده یکصد و چهل و پنج - محرومیت موقت احتیاطی

ماده ۱۴۵ - در صورتیکه محکمه در حین تحقیقات مدعیانی یا محاکمه با الاحظه طریقت و اوجیت جرم محرومیت موقم را از تمام حقوق اجتماعاتی یا بعضی از آن ها یا محرومیت منع موقت از اشتغال بتفقی با مستحق لازم بداند میتواند اسر دهد که موقم موقتاً از تمام یا بعضی حقوق

برای اینکه يك كسيكه كمتر مجده سال شش است (و بقیه بنده از چهارده سال شروع میشود) این در واقع وقت تعديلات است اينكه بنويسد بنظرمطلب اخلاق يك تعديلاتي باو بدهند اين تقريباً ميشود گفت كه يك چند هائي باو باء ميدهند كه يك با خلافيات او بگذرد و سوريكه بايد او را آنچه كاشته باشند كه پروگرام ككوري را در باره اش اجرا كنند كه اين درس بخواند براي اينكه وقتي كه از عيس بيرون ميآيد . (حالا آن ماده را كه بنده پیشنهاد کرده ام كه تخففي در مجازات آنها داده شود و جيس هاي آنها را مولاي قابل شوند آن جرأي است جدا گانه) ولي اين وقتي كه نباشد ببرد به عيس خوب در عيس بايستي ملك بكنار حمل در آنجا درس بخواند كه وقتي بيرون ميآيد يك عزمه يند چاهمه باشد و الا يك حمل را از پانزده سالگي ببردند جيس و شش سال هم در جيس باشد در سن ۲۱ سالگي ببايد بيرون يك باي سواد ولو جود دلائر جيس فايد و جود اين چه چیز است . در حالتيكه مادر پروگرام دو نيايان داريم كه موجبات تعميل افرادمان را فراهم كنيم افراد خوب را تمام بدهيم در حالتيكه افراد بد بيشر محتاج تاليم است بيشر محتاج تربيت است پس بنا بران در اينماده بايد تصريح شود كه افرادی كه كمتر از هجده سال سالگي كتر از ۲۱ سال كتر دارند در عيس براي آنها تعميل پروگرام ككوري اجباري باشد.

ولير عدايله - اين نظر خوبی است ولي لازم است كه يك دانشگاه دانشكاه كامل براي يك مقدمه ساله يا مجده ساله در عيس تهيئه كنيم و اين يكفردمي تشكيل است.

فلمس - ماده يكصد و چهل و هفت نظارت در اجرائي مجازات

ماده ۱۶۸ - نظارت در كويت اجراء مجازات جيس با يكي از مستخدمين قضائي است كه نظر اجراء ناموده ميشود و وزارت عدليه در هر محلي بر حسب اقتضائهم عمل مي نمايد.

آزادى مشروط محكوم منوط به پیشنهاد ناظر اجراء و حكم عكسه خواهد بود.

كار كردن محكوم در خارج عيس بنظر ناظر اجراء هي بايد.

فلمس - آذی دكتر جوان

دكتر جوان - در اينماده بنويسد اشخاصيكه محكوم به ججز شده اند كسانه ممكن است كه به پیشنهاد ناظر اجراء عكسه حا كه آنها را مشروط آزاد بكنارد يعني ممكن است وضعیت اخلاقي آنها را ملوري به بياند ناظر اجراء كه كشف از اين باشد كه متنبه شده و جيس براي او لازم نيست و بر حسب پیشنهاد ناظر اجراء و حكم عكسه حا كه آزاد شود خواستم در اين مورد آذی وزير محترم عدليه توضيح بفرمايند كه منظور از عكسه حا عكسه كدام عكسه است . عكسه ابتدائي است كه حكم داده است با عكسه استيفائي است و در صورت از اين حكم عكسه كه با ابتدائي باشد با عكسه منقح عكسه همو حق شكيات خواهد داشت يا نه و اگر بر عليه آن شخص محكوم عكسه تصحيح گرفت و رد كرد تقاضاي ناظر اجراء را در اين مورد آن محكوم حق شكيات بجهكده بالاتر را خواهد داشت يا خير.

ولير عدايله - هر چند اين قسمت هائي را كه آذی نياينده محترم تذكر دادند مربوط است به اصول كسان جزائي و انشاء الله در قانون اصول مجازات جزائي كه بعد از اين قانون نوشته ميشود پيش بيني خواهد شد چون مربوط بخود قانون جزاست و در آنچه اين قسمت با توضيح و اصلاح ميشود ولي فعلا بنويسماليم عرض ميكنم اينجا كه اين قبيل احكام مانند ساير احكام نيست كه حق شكيات استيفائي يا تهرزي داشته باشد و عكسه حا كه هم هويته آن عكسه است كه آخرين حكم را داده است و اينكه فعلا عكسه تهرز زيرا تهرز نظري به ماهيت دعوي ندارد البته اگر استيفائي داده باشد عكسه استيفائي در صورتيكه چنانچه باشد ولي اگر جنبات باشد عكسه جزائي و استيفائي و

آنها بجهكده استيفائي بجهكده حا كه است و اگر استيفائي نهاد بجهكده ابتدائي است بهر حال بر حسب پیشنهاد ناظر اجراء اگر آزادي مشروط لام است باو ميدهد و آن هم نهيشون كمت كه حق شكيات داشته باشد چون آنها بنظري بهجا كه ندارد تا بگويم كه چاي اين است كه دفاعي بكنند از خود اين يك ارفقي است يك تعديلات است كه قانون در نظر گرفته است از براي اينكه اشخاصيكه در جيس حل دومي و اخلاقيشان در بخوبي ميرود و در شقيه خود اين قانون اميدوار هي شوند به اينيكه اگر اخلاقتان بهتر بشود ممكن است آزادي مشروط پيدا بكنند در اينصورت ناظر اجراء پیشنهاد ميكند كه آنها را با يك شرايطي از عيس خارج كند بعد از يكدهي كه در جيس ماند و مواد راجع به جيس هم بيد خواهد و چنين نيست كه اين را يك حفي قرار بكناريم يعني قانون اين را حق قرار ندهيم يعني اگر نظر اجراء اين را تقاضا نكرد او شكيات كند با اينيكه اگر عكسه حكم نداد و ناظر اجراء را قبول نكرد او شواهد شكيات كند و همچنين بعد از اجراء اينه يك است اموري است كه روحاً اداري است ولي مناسب شده است كه عكسه اين حكم را بدهد يعني اين تصحيحاً بگردد و استيس را كذاره ايم حككم و الا اين يك حكم قضائي نيست

فلمس - ماده يكصد و چهل و ۱ اجرت عمل محكوم

ماده ۱۶۹ - در جيس ۱۱ براي عدل محكومين اجرت مقرر ميشود - از اجرت مزود در صورتيكه الزامات مجرم طور ديكر انجام نتويده و جود و ثل و ترتيب برداشته ميشود

۱ - محتاج اشخاصيكه محكوم مقرر شده با اندازه ضرورت.

۲ - وجوهي كه بعنوان جبران خسارت برعهده مجرم قرار گرفته .

۳ - مخرجي كه دولت براي نگاهداري محبوس متعديله ميدهد .

۴ - آنچه بجهكده استيفائي محكوم حا كه است و اگر استيفائي نهاد بجهكده ابتدائي است بهر حال بر حسب پیشنهاد ناظر اجراء اگر آزادي مشروط لام است باو ميدهد و آن هم نهيشون كمت كه حق شكيات داشته باشد چون آنها بنظري بهجا كه ندارد تا بگويم كه چاي اين است كه دفاعي بكنند از خود اين يك ارفقي است يك تعديلات است كه قانون در نظر گرفته است از براي اينكه اشخاصيكه در جيس حل دومي و اخلاقيشان در بخوبي ميرود و در شقيه خود اين قانون اميدوار هي شوند به اينيكه اگر اخلاقتان بهتر بشود ممكن است آزادي مشروط پيدا بكنند در اينصورت ناظر اجراء پیشنهاد ميكند كه آنها را با يك شرايطي از عيس خارج كند بعد از يكدهي كه در جيس ماند و مواد راجع به جيس هم بيد خواهد و چنين نيست كه اين را يك حفي قرار بكناريم يعني قانون اين را حق قرار ندهيم يعني اگر نظر اجراء اين را تقاضا نكرد او شكيات كند با اينيكه اگر عكسه حكم نداد و ناظر اجراء را قبول نكرد او شواهد شكيات كند و همچنين بعد از اجراء اينه يك است اموري است كه روحاً اداري است ولي مناسب شده است كه عكسه اين حكم را بدهد يعني اين تصحيحاً بگردد و استيس را كذاره ايم حككم و الا اين يك حكم قضائي نيست

فلمس - بنده ميخواهم عرض كنم از جمله مواد خوب اين قانون اين ماده ۱۴۹ است و لكن يك ماده ۱۵۳ هم در عقب اين ماده است كه در آنجا هيئت سرپرستي پيش بيني کرده چنانچه آذی وزير عدليه موافقت فرمايند آن ماده ۱۵۳ را بجاي ماده ۱۴۹ قرار بدهيم براي اينكه بعد از ماده مربوط به نظر اجراء اين قسمت ترتيب اجرت مجرمين باشد بهتر است و يكي هم در آخر ماده ۱۴۹ يك عبارتي ذكر كنيم كه هيئت سر پرستي كه در ماده فوق ذكر شده است (كه همان ماده ۱۵۳ است كه مقدم قرار بدهيم) حق نظارت در مسارف و محتاج مينه در اينماده را خواهد داشت

ولير عدايله - اين قسمت در كميون هم آن روز مذاكره شد ولي ميخواهم عرض كنم دو مطلب است يكي چزه مقرراتي است كه در جيس بايد معين شود بيكم قانون وحدود هم معين است و يكي هم هيئت سرپرستي است كه آن در واقع يك هيئت خبريه مجلتي است كه تشكيل ميشود براي رسيدگي بعد كه مجرم بيرون ميآيد نكار براي او معين كند يا اين كه اگر عاقل زيادي دارد يك ارفقي درباره او بكنند اين يك تكليف قانوني ندارد اين قسمت مربوط به اجرت عدل محكوم است كه بايد به موجب قانون معين باشد كه بدانش چه بكنند و اين در مطلب است

فلمس - پیشنهادي راجع به ماده ۱۴۹ رسيده است اثرات ميشود

پیشنهاد آذی محمد

پیشنهاد ميكنم ماده ۱۴۹ بشرح ذيل اصلاح شود .

در مجلس ما برای عمل و محکومین اجرت مقرر و شریب ذیل از آن برداشت میشود:

- ۱ - ربح و جوره حاصله جهت پس انداز زندانی
- ۲ - مخارج اشخاصیکه محکوم ملزم به تکفل آنها است و پس انداز مزبور را نمیتوان مورد تأمین باوقیف قرار داد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود نصف اجرت برای محبوسین ذخیره شود.

رئیس - ماده ۱۵۰

توقیف جنمی در اجراء مجازات

ماده ۱۵۰ - اجراء مجازات غیر نقدی در موارد ذیل بتوسیقه ای افتد

- ۱ - در باره زن حامله
 - ۲ - درباره زنی که از تاریخ وضع حمل او هنوز شش ماه نگذشته باشد
 - ۳ - در مورد مجازات اعدام در صورتیکه مطلق قانون تقاضای غور یا تخفیف شده باشد
- در مورد شق دوم اگر طفل فوت شود با یکس غیر از مادر میرده شود در صورتیکه از وضع حمل در ماه بیشتر نگذشته باشد بتوسیقه مجازات بر طرف میشود

رئیس - ماده ۱۵۱

توقیف اجباری در اجراء مجازات

ماده ۱۵۱ - اجراء مجازات در موارد ذیل ممکن است بتوسیقه افتد

- ۱ - در موردی که تقاضای غور یا تخفیف شده و از موارد توقیف الزامی نباشد
- ۲ - وقتی که مجازات حبس با اعدام نسبت یکس باید اجرا شود که مبتلا بر مرض شدید جسمانی باشد.
- ۳ - وقتی که مجازات حبس با اعدام نسبت بزنی باید اجرا شود که بیش از شش ماه و کمتر از یک سال از تاریخ وضع حمل او نگذشته و بچه بفر از مادر یکس دیگر سپرده نموده باشد.

پیشنهاد آقای انصاف زاده

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۱۴۲ عبارت (به تناسب مذکور در ماده ۱۳۹ کسر میشود) برابر ذیل اصلاح شود (به تناسب مذکور در ماده ۱۳۹ و ماده ۱۴۰ کسر میشود) رئیس - به کمیسیون رجوع خواهد شد.

۴ - موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه

رئیس - اگر تصویب فرمائید جلسه را ختم کنیم (صبح است) جلسه آینده در وقتیکه ۱۴ مهر ماه ساعت قبل از ظهر دستور بقه قانون مجازات عمومی (مجلس چهل دقیقه قبل از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

در مورد شق یک اجرای مجازات را نمیتوان زائد بر شش ماه از تاریخ قطعی حکم متأخر اتمام هر چند تقاضای غور یا تخفیف چند نوبت تکرار شده باشد. رئیس - ماده ۱۵۲:

حدوث عارضه روحی برای محکوم

ماده ۱۵۲ - هر گاه قبل از اجرای مجازات حبس یا اثناء آن عارضه روحی برای محکوم علیه حادث شود اگر نظر اجرا تشخیص دادگاه عارضه مانع اجرای مجازات است امر میدهد که مجازات موقوف یا ممانع بماند و محکوم علیه را در یکی از مؤسسات حفظ مجانبین یا محسوس مخصوص یا نزد مستحقین عمومی نگاهداری کنند این حکم در موردی هم جاری است که محکوم به مجازات اعدام باید بر اثر عارضه روحی در مؤسسات حفظ مجانبین نگاهداری شود هر موقع که موجودات اعزام بدارالمجانبین و مؤسسات نظیر آن بر طرف شد نگاهداری مجرم در مؤسسات مزبور خاتمه یافته حکم در باره او اجرا میشود. رئیس - ماده ۱۵۳:

هیئت سر پرسق و ذخیره جرائم

ماده ۱۵۳ - در نزد هر محکمه یک هیئت سر پرسق با اختیارات ذیل تشکیل میگردد.

۱ - معاونت به محبوسین آزاد شده برای پیدا کردن شغل مناسب.

۲ - معاونت بخانواده های محبوسین بوسائل مختلفه و حق کمک مالی در مواقع ضرورت.

رئیس - چند پیشنهاد است که بر عرض آقایان میرسد.

پیشنهاد آقای لازجانی

تبدیل کلاه حامله را به (آبستن) در فقره ۱ از ماده ۱۵۰ پیشنهاد مینماید.

پیشنهاد آقای یسنزی

بنده پیشنهاد میکنم که - بار آخر ماده ۱۲۹ مخصوص مورد همین یکند بدین طریق اصلاح گردد (مورد مخصوص همین یکند)